

## معنی تمام اشعار کتاب فارسی پایه نهم

### جمع آوری از وبسایت نه قلم

[www.9Ghalam.ir](http://www.9Ghalam.ir)

صفحه ۱۰

**معنای مصرع اول :** به نام خداوندی آغاز می کنم که دو نعمت بزرگ عقل و جان را به انسان عطا کرده است زیرا

فکر و اندیشه انسان نمی تواند فراتر از این برود

**معنای مصرع دوم :** به ذهن و اندیشه انسان ،سخنی بالاتر از این خطور نمی کند که سخنش را با نام پروردگاری

آغاز کند که به انسان جان و خرد بخشیده است.

**معنای مصرع سوم :** خداوند متعال صاحب اسما و صفات و القاب متعدّد و آفریننده/ جاو مکان(عالم هستی) است.

**معنای مصرع چهارم :** اوست که روزی دهنده موجودات عالم و هدایت کننده آنهاست.

**معنای مصرع پنجم :** خداوند متعال افلاک هفتگانه ( قمر، عطارد، ناهید، خورشید، مریخ ، مشتری، زحل) و آسمان

در حال حرکت را آفریده است

**معنای مصرع ششم :** و اوست که به خورشید و ماه و ستارگان نور و روشنی بخشیده است.

**معنای مصرع هفتم :** با چشمان و وجود جسمانی و مادّی نمی توان خدا را درک کرد

**معنای مصرع هشتم :** پس برای این کار بیهوده به چشمانت زحمت مده.

**معنای مصرع نهم :** انسان حتی با افکار تیزو اندیشه های باریک بین نیز نمی تواند به وجود خداوند متعال دست

یابد

**معنای مصرع دهم :** زیرا که ذات اقدس پروردگار فراتر از محدوده اسما و نام ها و مکان ها است. ( خداوند لامکان

است.)

**معنای مصرع یازدهم :** هیچ کسی نمی تواند خداوند متعال را آنگونه که شایسته درگاه اوست،

**معنای مصرع دوازدهم :** ستایش کند پس تو باید کمر بندگی و اطاعت از او به میان ببندی و در بندگی و عبادت

او تلاش کنی.

**معنای مصرع سیزدهم :** هر کس دانش کسب کند در زندگی موفق خواهد بود

**معنای مصرع چهاردهم :** با کسب علم فرد پیر مانند جوانی توانا زنده خواهد بود

سجاد اسکندری

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

صبحی که طول شب و روز آن یکسان است >اول بهار و اول پاییز< لذت بخش و دلپذیر است

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

تمام دنیا آفرینش خداوند است و کسی که به وجود خداوند باور ندارد دلی ندارد

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند نه همه مستمع می فهم کند این اسرار

همه هستی در حال ستایش خداوند هستند اما هر شنونده ای این را درک نمی کند

خبرت هست که مرغان سحر می گویند: آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

خروس ها هنگام آواز می گویند از خواب جهل و نادانی بیدار شو

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تا کی می خواهی مثل گل بنفشه سربه پایین باشی و هیچ خبر نداشته باشی حیف است

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

جز خدا چه کسی می تواند از چوب خشک میوه های رنگارنگ به وجود آورد یا از خار گل صد برگ ایجاد کند

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

عقل از خوشه طلایی رنگ انگور شفت زده می شود و فهم از درک میوه های انار که مثل جواهر هستند ناتوان می

گردد

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند لیل و نهار

خداوندی که به فرمان عزیز و گران قدرش ماه خورشید شب و روز را مطیع خود کرده است

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

اگر باز همه موجودات تا قیامت شکر بگویند باز هم کم است

شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است

آن قدر رحمت های خداوند بسیار است که انسان هرگز نمی تواند شکر گزار باشد

سعدیا راست روان گوی ساعات بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

ای سعدی درست کاران ساعتندان پیروز شدند تو هم درست رفتار کن زیرا انسان بدکاران را به منزل نمی رسد

## صفحه ۲۲

۱. مرغ با فروتنی از کرم پرسید: تا کی در پيله/ خویش می مانی و تا کی می بافی؟
۲. تا کی می خواهی گوشه گیر، در کنج خلوت خود باشی؟ و تا کی در زندان در بسته/ تن (پيله/ کرم ابریشم) می مانی؟
۳. کرم پاسخ داد: من در فکر رهاییم و به همین سبب به این حالت خمیده (در پيله) خلوت کرده ام و نشسته ام.
۴. هم سن و سال های من پروانه شدند و از این قفس پرواز کردند و دیدنی و زیبا شدند.
۵. من در زندان و خلوت نشسته ام تا بمیرم یا (پروانه شوم) و پر و بالی برای پریدن در آورم.
۶. اکنون مرغ خانگی چه بر سر تو آمده که هیچ تلاشی نمی کنی و پرواز نمی کنی؟

## صفحه ۲۶

### بیت ۱

دوره جوانی دوره کار و شایسته بودن است دوره/ غرور و خیال بافی نیست.

### بیت ۲

دوره/ جوانی مثل کالایی است که وقتی آن را از دست دادی در بازار همچین کالای گرانبهایی وجود ندارد.

### بیت ۳

دوره/ جوانی را با ارزش بدان و به جز راه حقیقت و درست را جست و جو ممکن زیرا فرصت یک بار است و بار دیگر وجود ندارد

### بیت ۴

از راه راست بر راه کج منحرف نشو وقتی (برای رسیدن به مقصود) در وجود دارد دیگر نیاز به (کج روی و انحراف) دیوار نیست

### بیت ۵

بردباری و تلاش را از انسانهای ازاده و جوانمرد یاد بگیر زیرا اموختن عیب و ننگ نیست

### بیت ۶

تا زمانیکه در دل تو تیرگی و الودگی گناه و غفلت وجود ندارد (از فرصت استفاده کن) واز روی آگاهی و بینش (وبا چشم دل) به خود توجه کن (برای خودشناسی و پاکسازی درون از بدی ها تلاش کن)

## بیت ۷

دانه و خوشه به مرور زمان تبدیل به خروار (تعداد بسیار زیاد) میشود هر خوشه که از ابتدا زیاد نیست. (مفهوم این بیت به بردباری و شکیبایی و تلاش پی در پی سفارش میکند. یادآور ضرب المثل: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود

## بیت ۸

همه کار روزگار درس و پند دادن است افسوس که شاگرد هوشیار و آگاهی (برای پند گیری) وجود ندارد

## صفحه ۵۸

۱. روزی می رسد که یوسف گم شده به زادگاه خود باز گردد. پس بهتر است غم نخوری. در آن روز غم ها و اندوه های تو همه به شادابی تبدیل می گردند. پس بهتر است غمگین نباشی.
۲. ای دل رنج کشیده، بیهوده ناراحتی به خود راه مده. مطمئن باش حالت بهتر می شود. پس وضع خود را بدتر از این مکن. این پریشان حالی و آشفتگی تو بهبود می یابد و همه چیز به آرام و قرار و نظم خود دست پیدا می کند.
۳. اگر چرخش زمانه مدتی طبق خواسته/ ما به گردش در نیامد، ولی مطمئن باش که حال زمانه به یک شکل باقی نمی ماند پس ناراحت نباش و اندوه نخور.
۴. ای انسان! نا امید مشو. زیرا تو از رازهای پنهانی خبر نداری، بدان که در عالم غیب و ملکوت سرنوشت ها و مقدرات پنهانی وجود دارد. پس ناراحت مباش و اندوه مخور.
۵. ای دل! اگر نیستی و نابودی همه جهان را از بین ببرد تو نباید غمگین باشی و ادوه بخوری زیرا حضرت نوح کشتیبان توست و تو به او تکیه کرده ای پس تو را سالم به سر منزل مقصود می رساند.
۶. اگر هدف تو از اینکه در بیابان به حرکت در آمده ای رسیدن به کعبه و خانه/ خداست پس از رنج و دردی که در راه به آن ها گرفتار می شوی (مانند خار مگیلان) ناراحت مشو. و اندوه مخور
۷. اگر چه راه بسیار نا امن و خطرناک است و مقصد بسیار دور است ولی هیچ راهی نیست که بی پایان و بی سرانجام باشد پس ناراحت نباش و اندوه نخور.
۸. ای حافظ! تا زمانی که با تهی دستی و تنهایی و در شب های تاریک مشغول ذکر خداوند و دعا و قرائت قرآن هستی، به دلت غم راه مده اندوه نخور.

## صفحه ۶۴

شناسنده آشکار و پنهان

همی خواهم از کردگار جهان

معنی: از خدای بزرگ که آفریننده جهان است و پنهان و آشکار جهان را می شناسد، می خواهم.

همه نیک نامی بود یارتان

که باشد ز هر بد، نگهدارتان

معنی: خدا شما را از هر گزند و آسیب در امان نگه دارد و همیشه نیک نامی یار و یاورتان باشد.

## صفحه ۶۵

جهان سر به سر، زیر دست من است

ندانی که ایران، نشست من است

معنی: نمیدانی که سرزمین ایران محل زندگی و حکومت من است، سراسر جهان گسترده زیر دست من و تحت فرمانروایی من است.

به نیکی ندارند از بد، هراس

همه یکدلانند، یزدان شناس

معنی: مردم ایران در هر قوم و قبیله ای که هستند، خدای یگانه را پرستش می کنند و با نیک نامی از بدی و پلیدی هراسی ندارند و یکدلند.

کنام پلنگان و شیران شود

دریغ است ایران که ویران شود

معنی: حیف است که ایران از بین برود و محل زندگی پلنگ ها و شیرها شود. (محل زندگی و اشغال دشمنان گردد)

در این بوم و بر، زنده یک تن باد

چو ایران نباشد، تن من مباد

معنی: اگر قرار است ایران نباشد، من نیز نباید زنده باشم. نه تنها من، بلکه در این سرزمین کسی زنده نباشد بهتر است. (با نبود سرزمین ایران، دیگر ایرانی وجود نخواهد داشت.)

از آن به که کشور، به دشمن دهیم

همه سر به سر، تن به کشتن دهیم

معنی: اگر ما یک به یک کشته شویم و در راه وطن جان افشانی کنیم و شهید شویم، بهتر از آن است که کشور عزیزمان به دست دشمن بیفتد.

کودکی از جمله آزادگان رفت برون با دو سه همزادگان

معنی : کودکی از خانواده/ انسان های نجیب و اصیل با دو سه نفر از هم سن و سالهای خودش ، برای بازی کردن ، بیرون رفت .

پای چون در راه نهاد آن پسر پویه همی کرد و درآمد به سر

معنی : وقتی که آن پسر بچه شروع به حرکت و دویدن کرد ، با سر به زمین خورد.

پایش از آن پویه در آمد ز دست مهر دل و مهره پشتش شکست

معنی : به هنگام دویدن ، کنترل خود را از دست داد و مهره/ کمرش شکست و علاقه اش به بازی از بین رفت.

شد نفس آن دو سه هم سال او تنگ تر از حادثه/ حال او

به خاطر این حادثه ( زمین خوردن آن کودک ) آن دوستان هم سن و سالش ، احساس ناراحتی و اندوه می کردند.

آن که ورا دوست ترین بود گفت در بن چاهیش باید نهفت

معنی : نزدیک ترین دوستش گفت : باید او را در داخل چاهی عمیق ، بیندازیم.

تا نشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار

معنی : تا این حادثه برای کسی آشکار نشود و ما پیش پدرش شرمنده نشویم.

عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود از ایشان یکی

معنی : یکی از بچه هایی که دشمن او بود ، کودکی آینده نگر و زیرک بود.

گفت : « همانا که درین همهران صورت این حال نماند نهان »

معنی : آن کودک آینده نگر گفت قطعا این موضوع در میان این دوستان همراه ، پنهان نمی ماند.

چون که مرا زین همه دشمن نهند تهمت این واقعه بر من نهند

معنی : چون که از میان همه/ بچه ها ، مرا دشمن او می دانند ، پس به من بد گمان می شوند.

زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش چاره/ آن کار کرد

معنی : به سوی پدرش رفت و او را از ماجرا آگاه کرد تا این که پدرش برای آن کار ، چاره ای بیندیشد.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است

معنی : هرکسی که در او جوهر دانایی وجود دارد ، توانایی انجام هر کاری را دارد .

## بہتر از آن دوست کہ نادان بود

## دشمن دانا کہ غم جان بود

معنی : دشمن دانایی کہ سبب غم و اندوه انسان باشد ، از دوست نادان بہتر است.

### صفحه ۱۰۵

از شادابی تو کہ چشمہ ہا پر جنب جوش است و از مظلومیت تو است کہ موج ہا آرام است انسان ہای تشنہ علم را تو سیراب میکنی. کشیدن رنج ہای ریگ ہای بیابان بہ دلیل صبر تو است با شنیدن نام تو گیاهان رشد میکنند و شاداب می شوند، بہ این دلیل است کہ برگ باران تو را میشناسند. تو ہم گل ہای باغ شہادت را میشناسی و ہم تمام گل ہا (شہیدان) تو را میشناسند. دیگر غریب بودند تمام بہ پایان رسید، تو آشنای بی اشنایان هستی کاش من ہم در زمان تو زندگی میکردم، خیابان ہای مشہد مقدس از تو شناخت دارند.

### صفحه ۱۰۶

- ۱: برسیدن زمان تولد حضرتہ مہدی {عج} گویی بہار جان بخش از راه رسید و جان ہا زنده شدند. پس از جای خود بلندشو زیرا عید عارفان و عاشقان از راه رسید
- ۲: باجامعہ ویژہ عارفان و درویشان آرام و ساکت در گوشہ ای منشین بہ پا خیز زیرا جہان از نو زنده شدہ است
- ۳: گلستان از شادی طرب پراز گل ہای لالہ شدہ است زیرا پادشاہ زمین و آسمان از راه رسیدہ است
- ۴: امادہ باش کہ مطابق فرمان او باشی و بہ ہوش کہ نجات بخش تمام هستی از راه رسید

### صفحه ۱۱۸

- \*دلی دارم کہ خریدار محبت است و بازار محبت بہ خاطر او رونق دارد
- \*لباسی برای دل دوختم کہ پود پارچہ اش از رنج و تار ان از محبت است
- \*درد و درمان و وصل و ہجران من ہمہ بخاطر وجود یار است
- \*اگر قصاب پوست تنم را بکند باز ہم جانم از جان یار جدا نمی شود
- \*گاهی از قبرستان گذشتہ ام وقبر انسان ہای ثروتمند و فقیر را دیدہ ام
- \*نہ فقری بدون کفن خاک شدہ ونہ ثروت مند توانستہ با خود بیش از یک کفن بردہ

\*ای دل از خداوند غافل‌ی چه فایده دارد؟ فرمان بر نفس خود و شیطان هستی چه فایده دارد  
\*ارزش تو از فرشتگان بیش تر است اما تو ارزش خود را نمی دانی چه فایده دارد

\*کاری نکن که دچار مشکل و سختی شوی و دنیا با این گسترده ای به نظرت تنگ و ناراحت بیاید  
\*وقتی فردا قیامت فرا رسد و فرشتگان نامه اعمال تو را خواندن تو از دیدن کارهایت خجالت زده می شوی

### صفحه ۱۴۶

- ۱- بیا تا تمام وجود خداوند را پرستش کنیم زیرا بعد از مرگ فرصت چنین کاری را نداریم
- ۲- ای پروردگار بخشنده باروزی تو پرورش یافته ایم و به لطف و بخشش تو عادت کرده ایم
- ۳- تو ما را در دنیا عزیز و گرامی داشتی و در جهان آخرت نیز همین چشم را داشته باش
- ۴- خدایا مرا با لطف و مهربانی خود بپذیر و از درگاهت دور نکن زیرا من غیر از درگاه تودرگاه دیگری ندارم
- ۵- خدایا نور بصیرت و ایمان را در برابرم قرار ده و مرا از انجام کارهای ناشایست دور کن
- ۶- خدایا مرا با خواری و پستی از درگاهت دور نکن زیرا هیچ درگاهی جز درگاه توبرای من قابل تصوّر نیست

**تهیه شده در وبسایت نه قلم**

**[www.9Ghalam.ir](http://www.9Ghalam.ir)**

**کانال تلگرام نه قلم:**

**[@ir9Ghalam](https://www.instagram.com/ir9Ghalam)**